

پرستش الهه - مادر در ایران

= ۱ =

مقدمه

پرستش الهه - مادریکی از ریشه دارترین اعتقادات مذهبی در طول حیات بشری می باشد که قدیم تر از ظهور خدایان متعدد و قبل از تجسم خدائی در مظاهر مذکر و پدر خدائی بوده و در نخستین مراحل تمدن بشری یعنی دوران کهن سنگی گسترش یافته است .

بنظر میرسد که سنت پرستش این الهه در ابتدا مستقل و بدون وابستگی به زوج دیگر و پدر - خدا مر سوم بوده است و تنها در دوران نوین سنگی (Neolithic) می باشد که شواهدی از ظهور خدای جوان بعنوان همسر و در عین حال فرزند الهه - مادر وجود دارد . در همین دوره است که سنت پرستش عضو تناسلی مرد در جوار پرستش الهه - مادر ، رایج شد که ریشه های این سنت نیز در تمدن کهن سنگی اروپا (Palaeolithic) وجود داشته و شواهد آن در نقوش دیواره غارها که نقش مردان برهنه ئی را باتاً کید در عضو تناسلی آنان نشان میدهد ، بچشم می خورد.^۱

۱- «Prehistoric and Ancient art» Larousse

با ظهور زراعت و اشتغال بگله‌داری، نقش الهه - مادر بعنوان مجسم کننده مظاهر بارآوری و توالد مشخص‌تر گردیده و نه تنها در قلمرو طبیعت و زندگی طبیعی بلکه در حیطه مسائل زندگی انسان چون تولد و زندگی و مرگ، و نیز زندگی پس از مرگ بعنوان حمایت کننده و برآورنده نیازهای انسان پرستش میشد.

چنین بنظر میرسد که پرستش الهه مادر و تندیس‌های کوچک اواز آسیای غربی و دشتهای روسیه جنوبی و دره دن (Don) در آغاز دوره فرهنگی اورینیاسین (Aurignacian) که در آن نواحی بعلت و فور تیغه های خاص (Gravette) بنام فرهنگ گراوتیان (Gravettian) نامیده شده است - همراه با مهاجرت اقوامی آسیائی در اروپای مرکزی و شرقی اشاعه یافته است.^۲ این سنت که در حوالی دریای خزر همراه با ترددی طولانی عمیق و ریشه دار گردیده بود، بعدها در امتداد سواحل مدیترانه برای هزاران سال باقی بود.^۳ نقوش و تندیس‌های الهه - مادر در ضمن حفاریات و اکتشافات غارهای اقامتگاه انسان دوران کهن سنگی در فرانسه و در اسپانیا بکرات بدست آمده است. نقش زن عریانی در غار لوزل (Lausel) فرانسه که شاخی در دست دارد و به ونوس لوزل معروف گردید از زمره این شواهد است که متعلق بدوران اورینیاسین میباشد.^۴

در جنوب غربی فرانسه در ناحیه براسمپوی (Brassempouy) در ضمن حفاری دوغار و کشف آثار مربوط به دوره اورینیاسین چند تندیس کوچک از عاج ماموت بدست آمد که الهه - مادر را در وضع حاملگی نشان میداد.^۵

۲- E.O. James: «The cult of the Mother Goddess» 1959 London P. 13

۳- H. Obermaier: «Fossil Man in Spain», New York 1925, PP 117-122

۴- «Prehistoric and Ancient Art» (Larousse), P. 29

۵- M. Burkitt: «The Old Stone Age» 4. Edition, London 1963, Fig. 19-4

در اطریش در ناحیه ویلندروف (Willendorf) یکی از معروفترین تندیس‌ها - های الهه - مادر بدست آمد که آنرا ونوس ویلندروف نامیدند. این تندیس بسیار کوچک در حدود ۴ اینچ طول داشته و با اغراق بسیار در برجستگی سینه‌ها و شکم و رانها پرداخته شده است.^۶ (شکل ۱) این قدیم‌ترین تندیس الهه - مادر دستهایش را بر روی سینه‌ها قرارداده است.

تندیس بسیار جالب دیگری مربوط به دوران کهن سنگی در مراویا (چکسلواکی) یافت شد که مانند تندیس قبلی دستهایش را بر زیر سینه‌های بسیار بزرگش گذاشته است. (شکل ۲) در ایتالیا در ضمن حفاریات ناحیه‌ئی در کوههای آپنین ونوس دیگری بدون سر با سینه و شکم برجسته و پاها که بطریقی جالب در یک نقطه بهم ختم میشدند. بدست آمد و مربوط به همان دوران اورینیاسین در روسیه میانه از محل کستن کی Kostenki، از نواحی دره دن و از مالتا Malta در کناره‌های دریاچه بایکال تندیس‌های متعددی از الهه - مادر عریان با همان وضع خاص سینه‌ها و شکم بدست آمد.^۷

این تندیس‌های متعدد که در یک حوزه وسیع جغرافیائی در فرهنگهای دوران پالئولیتیک جدید بدست آمده‌اند تماماً در خصوصیاتى باهم شبیه هستند و آن مبالغه و تأکید در برجسته نشان دادن سینه‌ها و شکم و دستگاه تناسلی آنان میباشد که مبین وظایف باروری و تولید و اعتقاد به الهه در حیطه وظایف مادری اش میباشد.

پرستش الهه - مادر در دوران کهن سنگی همراه با مراسم و شعائری بود که شواهدی از آن در ضمن حفاریات قبور مربوط به آن دوران بدست آمده است. ظاهراً صدفها پیوند خاصی با پرستش الهه داشتند و احتمالاً بعنوان طلسم و تعویذ بکار میرفته‌اند. در قبرهای دوران کهن سنگی جدید در ناحیه گریمالدی

۶- «Prehistoric and Ancient Art» Larousse, P. 17, Fig. 5

۷- M. Burkitt; Ibid, Fig. 18—2

Grimald هزاران عدد از این صدفهای دریائی همراه با آثار اسکلت انسانی بدست آمد^۸. همچنان امکان دارد که این صدفها باشکل خاص خود مظهر دستگاه جنسی زن بوده و بعنوان نشان توالد و بارآوری الهه - مادر و طلسم فراوانی و حاصلخیزی مورد توجه بوده اند^۹.

در یکی از غارهای اطراف لوزل و در غار دیگری بنام تروافرر (Le Troi Freres) نقوشی از مردان ماسکدار که گاهی نیز پوست حیوانات را برتن دارند در حال رقص نقاشی شده اند که احتمالاً نشان دهنده جادوگر یا شامان قبیله بوده که باماسک و پوست جانوران خود را میآراستند و در طی مراسمی همراه بارقصهای سمبولیک، شعائر مربوط به پرستش الهه مادر را انجام میدادند که بخصوص شامل جلب عنایت الهه در ازدیاد جانوران و پیروزی در شکار بود.

الهه مادر در یونان: در تمام دوران نئولیتیک (نوبین سنگی) الهه - مادر بعنوان قادر مطلق وزن خدای بزرگ در یونان پرستش میشد و تصور پدر - خدائی هنوز در ایده های مذهبی رسوخ نکرده بود. مظهر الهه در زمین، مادر - شاه بود که در رأس سلطنت مادر - شاهی فرامین الهه - مادر را اجرا کرده و حافظ شعائر پرستش الهه بود (شکل ۳). هستیا Hestia الهه خانواده و نگهبان اجاق بقای خانواده حتی بعد از استقرار پدر - شاهی در رده نخستین الهگانی بود که یونانیان اولین قربانی خویش را برای او نذر میکردند، ماه و خورشید مظاهر مقدس الهه بودند و سه مرحله ماه (ماه نو - قرص کامل، هلال آخر) - سمبول سه دوره زندگی الهه - مادر (دوشیزه - بانو -

۸- Verneau: «Les Grottes de Grimaldi» Monaco Vol. XI 1906 PP. 23 F,

۹- J. W. Jackson: «Shells as Evidence of the Migration of Early Culture» Manchester 1917 PP. 138 F.

—E.O. James «The cult of.....» P. 16.

زن سالخورده) بشمار رفته و دور سالیانه خورشید طلوع و غروب توانائی بدنی او را توجیه میکرد (بهار مظهر دوشیزگی - تابستان دوران باروری و تولد، و پاییز و زمستان نشان سالخوردگی و نازائی الهه بودند)

بدین ترتیب الهه - مادر عملاً درزندگی گیاهی و جانوری مجسم شده و از این ارتباط با مادر - زمین یکسان میگردد که سه دوره سمبولیک زندگی خویش را در دور فصول به ظهور میرسانید.

الهه بعدها در دوره گانه دیگری نیز مجسم میگردد که عبارت بود از دوشیزه آسمانی، بانوی زمینی، و عجوزه جهان زیرین که به ترتیب به نامهای سلن Selene آفرودیت Aphrodite و هکات Hecate موسوم شده بود.

مادر - شاه که مظهر الهه - مادر بود سالیانه معشوقی از میان مردان قبیله برای خویش انتخاب میکرد که بعنوان شاه در تحت حمایت ملکه برای یکسال بر تخت می نشست و در پایان سال بدستور ملکه برای جلب رضایت الهه - مادر و طلب فراوانی و حاصلخیزی قربانی شده و خونس را بر مزارع و درختان می پاشیدند و گوشت او توسط راهبه های معبد الهه خورده میشد .

در هزاره دوم قبل از میلاد تسلط اقوام هلنی بر آسیای صغیر و یونان با سیستم حکومتی پدرشاهی از نفوذ الهه - مادر کاست. اینان بصورت گروه های کوچک مسلحی از شبانان که خدایان سه گانه آریائی ایندرا، ورونا و میترا را میپرستیدند در تسالی و یونان مرکزی جایگزین شده و بعنوان فرزندان الهه پذیرفته شدند و نفوذ آنها اندک اندک سبب ایجاد یک روش آریستوکراسی نظامی بر اساس پدرشاهی در یونان و کرت گردید.^{۱۰}

بسیاری از اساطیر یونان در بردارنده اشارات سمبولیک از ورود اقدام تازه و غلبه پدرشاهی بر مادر - شاهی میباشد: بلروفون مساده هیولای کیمرا Chimaera را میکشد و پرسئوس موفق به نابودی مدوسا یکی از سه خواهر

۱۰ - Robert Grave: «The Greek Myths» London 1964, P. 18

گور کن Gorgon میگردد و افسانه‌های متعدد دیگری که مربوط به اغوای الهگان توسط خدایان بوده و اشاره‌ئی است به ازدواج میان شاهان و رؤسای اقوام هلنی با کاهنه‌های معبد الهه.

پرستش الهه مادر در مدیترانه شرقی در کرت و قبرس نیز معمول بود نقش مارها، کبوتر و تبر دو تیغه از نشانه‌های الهه بود و خود وی گاهی ایستاده بر کوه‌ها و گاهی بهمراه درخت مقدس نشان داده شده است. روی يك حلقه طلا در موزه اشمولین Ashmolean ا کسفورد که از قبور میسنه‌نی بدست آمده نقش زنی که با احتمال قوی الهه - مادر میباشد در حالت تکیه بر يك کوزه بزرگ در کنار مردی حکاکی شده است مرد، که احتمالا یکی از خدایان میباشد کمائی در یک دست و شیئی دیسک مانند در دست دیگر دارد.^{۱۱}

بر روی يك مهر متعلق به اواخر دوران مینوئی که از میسنه‌نی یافت شد نقش دیگری از الهه در حالت خم شده با نقوش دیگری از جمله نقش يك شاخه درخت و نقش تکرار شده دیگری از الهه در حالت ایستاده و در حال چیدن میوه از شاخه‌ئی که توسط يك خدای جوان بسمت او دراز شده حکاکی شده است.^{۱۲}

در نقش دیگری بر روی يك حلقه طلا، زنی ساقه درختی را در دستهایش گرفته و در طرف چپ او نقش زن دیگری با بالا تنه عریان و سینه‌های برجسته پشت به درخت دیگری داده و دستهایش را بسوی زن سومی که او نیز عریان می‌باشد دراز کرده است که احتمالا مضمون الهه مادر و رسیدن بهار را ایفا میکند.^{۱۳}

- ۱۱- E.O. James: «The cult...» P. 136.
—A. Evans: «The Palace of Minos» London 1928, Vol. II P. 842.
- ۱۲- A. Evans, Vol. 1 P. 161
- ۱۳- E.O. James: «The Cult...» P. 137
—M. Nilson: «The Minoan and Mycenaean Religion» P. 267

بر روی مهرهائی که از معابد کنوسوس Knossos و کورنیا Cornia بدست آمد نقش الهه - مادر با شیرهائی که پاسدارانش میباشند در کنار ستون مقدس که همان مظهر درخت مقدس می باشد، حکاکی شده بود و در بعضی نقوش نیز الهه - مادر بر بالای کوهی ایستاده است. در معبد کنوسوس در لایه مربوط به اواخر دوران مینوئی دو مجسمه کوچک از الهه - مادر با سینه های عریان و نیمتاجی بر سر در حالیکه ماری را بدست دارد یافت شد. نقش افعی در بسیاری از موارد همراه الهه - مادر دیده میشود و یقیناً یکی از سمبولهای الهه میباشد.^{۱۴}

در کورنیا نیز در معبدی که متعلق به الهه - مادر بود مجسمه کوچکی از الهه بدست آمد که بدور آن دو مار حلقه زده بودند علاوه بر آن چند مجسمه گلی کوچک از کبوتر و اشیائی که بانقش تبر دوسر تزئین شده بود (سمبول خدای جوان که پرستش او همراه پرستش الهه - مادر انجام میشد) همراه مجسمه الهه یافت شد.^{۱۵}

علاوه بر یونان و سواحل مدیترانه، شواهد پرستش الهه - مادر در بسیاری دیگر از نقاط اروپا نیز بدست آمده است، در شبه جزیره ایبریا Iberia تعداد بسیاری از این مجسمه های کوچک گلی که معرف الهه - مادر بود یافت شد که مربوط به هزاره سوم ق - م میباشند.^{۱۶}

در بریتانیا و در فرانسه نقوش الهه - مادر عریان که گردنبندهائی

۱۴- E.O. James: «The Cult...» P. 137

A. Evans; Vol. I. PP. 463—500

۱۵- B.E. Williams: «Cournia» Philadelphia 1908, P. 47

۱۶- E.O. James: «The Cult....» P. 141

—V.G. Child: «Dawn of European Civilization» 1930, PP. 13-15-84-95

بشکل هلال بر گردن دارد بر روی تخته سنگهای بزرگ (Menhir) حکاکی شده‌اند. ۱۷

علاوه بر این نقوش در آوِسوری Avebury بریتانیا مجسمه های کوچک زن به همراه فالوس های تراشیده شده از استخوان - و سنگ گچ بدست آمد ، مجسمه‌ئی از يك زن آ بستن نیز در حوالی نورفولك Norfolk یافت شد که با احتمال بسیار قوی همه این تندیسها معرف الهه - مادر هستند. ۱۸

در بسیاری از مناطق دیگر اروپا که حفريات باستانشناسی کمتر موفق به یافتن آثار پرستش الهه - مادر شده است در میتولوژی آن اقوام میتوان شواهدی یافت . در اساطیر اقوام سلت ، الهه بزرگ دانو Danu احتمالا یادآور پرستش الهه - مادر بوده و در بسیاری از متون اساطیری این اقوام سایر خدایان ایرلند را تحت فرمان این الهه میدانند و نیز الهگان دیگر چون آنو Anu ، بریژیت و ماکا، که پرستش و بزرگداشت آنان خاطره قدیم پرستش الهه - مادر را قبل از ورود اقوام سلت در ایرلند باز گومیکند. ۱۹

در اساطیر اقوام توتون (اسکاندیناوی) فریگ Frigg الهه بزرگ و همسر اودین خدای خدایان نقش مهمی در مذهب آن اقوام داشت. قسمت اعظم اساطیر توتون متأثر از ریشه هند و اروپائی آن اقوام میباشد ولی جدائی طولانی آنها از اقوام هند و اروپائی شکل خاصی به اساطیر آنان داده است. نقش گاو ماده‌ای که از ذوب یخها بوجود آمده و بعد بالیسیدن یخها اولین انسان را بوجود آورد در اساطیر اقوام توتون میتواند اشاره‌ئی به تقدیس قدیمی الهه - مادر در اسکاندیناوی باشد. ۲۰

۱۷- E.O. James: P. 142

۱۸- S. Piggot: «The Neolithic Cultures of the British Isles» 1954 P. 88, Fig. 14-1, 410, P. 42

۱۹- « Larousse Mythology» London 1964, P. 235-239

۲۰- H. R. Ellis Davidson: «Gods and Myths of Northern Europe» 1964 London, P. 27

در آسیای غربی شواهد متعددی از پرستش الهه - مادر یافت شده است ، تندیس‌های كوچك زن و پلاكهائی بانقش الهه استارته از طبقه B تل بیت میرسیم (۹۲۰ - ۱۲۰۰ ق.م) در سوریه واز مگیدو یافت شد . ۲۱ در متون اوگاریت اشارات متعدد به پرستش الهه - مادر و ازدواج مقدس الهه با خدای جوان ، وجود دارد . در این متون آنات بعنوان خواهر و همسر بعل و بنام بانوی کوهستان ذکر میشود. آنات رل مهمی در اساطیر اوگاریت بازی کرده و وقتی بعل بدست موت Mot از میان رفت این الهه مانند ایشتار وایزیس ، در جستجوی بعل کوهها و سرزمینها را زیر پای نهادودر فراق او سوگوار ماند . ۲۲

در یکی از تندیس‌ها آنات با سینه‌های عریان و با تاج فراعنه مصرعلیا مجسم شده ودر تندیس دیگری که آنات را با رامسس دوم نشان میدهد این الهه بعنوان مادر فرعون و بانوی آسمان معرفی میگردد که نمودار نفوذ این الهه در خارج از مرزهای سوریه قدیم ویکسان گردیدن وی با الهه استارته فینقی‌ها وهاثور Hathor مصریها در هزاره دوم ق.م میباشد . ۲۳

در فینقیه بزرگترین خدای شریبیلوس الهه‌ئی بود بنام بعلت Baalat که با دوشاخ بسالای سرش و صفحه‌ئی بین آن دو شاخ شباهت زیاد باهاثور الهه مصری داشت . ۲۴ همچنان تشابه زیادی میان بعلت و اشره Asherah الهه اسرائیل و آنات بود بعلت گاهی اوقات با نام استارته نیز در فینقیه پرستش

- ۲۱- E.O. James: «Myth and Ritual in the Anciant Near East» London 1958, P. 122
—J.B. Pritchard: «Palestinian Figurines», 1943, PP. 38 FF, 55 FF.
- ۲۲- E.O. James: «Myth....» P. 122
C.H. Gordon: «Ugaritic Literature» 1946 P. 25-32
- ۲۳- E.O. James: P. 123
A. Mriette: «Denderan» 1870 Vol I. P. 25 F.
- ۲۴- «Larousse Mythology» P. 73

میشد و الهه اشره در عهد عتیق بعنوان همسر بعل ذکر شده است ۲۵ این الهه بعنوان بزرگترین الهه شهر تیر Tyr نیز مورد پرستش بود. ۲۶

در ترکیه در معبد سنگی یازیلیکایا Yasilikaya نزدیک بغاز کوی، الهه بزرگ پانتئون هیتی بانام هپاتو Hepatu سوار بر پلنگی نقش شده است که نیمتاجی بر سر دارد و همراه او خدایان طوفان و جو نقش شده اند. در حفاریات کتل هو یوک تندیسهای متعدد کوچکی یافت شد که الهه - مادر را در سه شکل دوشیزه، مادر و سالخورده مجسم میکرد یکی از آنها الهه را در حالت نشسته با سینه های آویزان و دیگری الهه را در حالیکه دستهایش را بر شکم نهاده نشان میدهد این تندیسها مربوط به ۵۷۵ ق.م میباشند (طبقه دوم کتل هو یوک) ۲۷

در طبقه ششم حصیلار (ترکیه) نیز شواهدی از پرستش الهه - مادر بدست آمد این شواهد عبارتند از تندیسهای کوچک گلی از الهه در حالت نشسته، ایستاده، زانو زده و بچه در بغل و نیز نقوشی که الهه را سوار بر پلنگ نشان میدهد. ۲۸

در سراسر بین النهرین کاوشهای باستانشناسی راز پرستش الهه - مادر را در آن منطقه افشاء کرد در قبور تل سوان مربوط به آغاز دوران حسونا (هزاره پنجم ق.م) دو تندیس کوچک سنگی از آلاباستر با چشمهای کار گذاشته شده یافت شد که هر دو عریان بوده و یکی از آنها دستهایش را در پائین سینه حلقه کرده بود. ۲۹

۲۵- تورات - سفر شاهان - ۲ 4 XX III

۲۶- E.O. James: «Myth and.....» P. 126
C. H. Gordon; P. 72

۲۷- J. Mellaart: «Earliest Civilization of the Near East» London 1965 P. 92 Figs. 70, 5-76

۲۸- J. Mellaart: P. 108, Fig. 94.

۲۹- Ibid, P. 64. Figs. 38—39

اشیائی که ظاهراً بعنوان طلسم بکار میرفته و از نقش دو چشم بزرگ بر روی پلاکهای کوچک مسطح تشکیل شده به تعداد هزاران عدد در معبدی در دره هابور متعلق به اوایل هزاره سوم ق.م بدست آمد یکی از این پلاکها با نقش دو چشم، نقش یک بز کوهی و یک پرندۀ تزیین شده بود که تعلق آنرا به الهه سومری نین هور ساگ Nin-Hur-Sag اثبات میکند.^{۳۰}

در موصّل در تپه ارپاکیه که قدیم ترین طبقه آن متعلق بدوران کلکولیتیک میباشد (هزاره چهارم ق.م) تندیسهای متعدد گلی بدون سر یافت شد که برخی مسطح و برخی بطور گرد ساخته شده اند و لسی در همه آنها سینه ها آویزان و برجسته و باسن ها بزرگ نمایش داده شده اند. بسیاری از این تندیس ها الهه را در حالت نشسته با پای های باز شبیه به حالت زایمان نشان میدهند سوراخهایی که در بالای بعضی از این تندیس ها وجود دارد، استفاده از آنها را بعنوان طلسم و گردن بند گواهی میدهد.^{۳۱} این مجسمه ها که دال بر ارتباط مذهب الهه - مادر با سنت قدیم دوران کهن سنگی است در سراسر عراق شمالی در هزاره پنجم ق.م و مدت ها قبل از اینکه در مدیترانه شرقی رواج یابد گسترش داشته و تبرهای دوسر، کبوتر، سرگاو و مار با سنت پرستش الهه مربوط بوده اند.^{۳۲}

در تل حسوننا نیز از طبقه چهارم این تپه تعدادی تندیس الهه بدست آمد که شبیه یافته های ارپاکیه بودند همچنین در تپه گارا نزدیک نینوا در طبقات پائین از تندیس های گلی کوچک که زنی احتمالاً الهه را در حالت نشسته و در حالیکه سینه هایش را در دست دارد، نشان میدهد، یافت شد.

۳۰- M.E.L. Mallowan: «Early Mesopotamia and Iran» London 1965 P. 48, Fig. 39

۳۱- M. E. L. Mallowan: «Iraq» Vol. 11 pp. 79 FF.

۳۲- E. O. James: «The Cult.....» P. 23

(شکل ۵-۴). در طبقه B گارا A مجسمه جالبی از زن عریان با سینه های برجسته که قسمت اندام تناسلی او با خطوط حکاکی نشان داده شده بدست آمد که تا حد زیادی فرم استیلیزه دارد.^{۳۳} در ضمن حفاریات هارا پاومهو وجود دارو (دره سند) تندیسهای متعددی از الهه - مادر با همان مشخصات سایر نقاط خاورمیانه یافت شد، در مهو وجود دارو این تندیسها تقریباً از تمام لایه ها و طبقات بدست آمده است که عموماً عریان بوده و فقط پارچه ئی بدور کمر پیچیده اند و با دستبند، گردنبند، بازو بند و ساق بند تزئین شده اند.^{۳۴} (شکل ۶)

هندوایسم در آن قسمت از زمینه های خویش کسه پرستش شیوا و الهه - مادر را در بردارد از تمدن قدیم هارا پا ریشه گرفته و سرچشمه اصلی این تمدن نیز با احتمال قوی در ایران بوده و قدیم ترین بنیان گزاران آن قبل از مهاجرت به شمال غربی هند از طریق بلوچستان، در ایران ساکن بوده اند.^{۳۵}

= ۲ =

ایران

کتابخانه مدرسه فیصله

چنانکه گفته شد اقوام آریائی پس از آغاز مهاجرت خود بسوی غرب، روش پدرشاهی خویش و به همراه آن مذهب پدر - خدائی را در سرزمینهای مفتوحه رواج دادند.

قبل از ورود اقوام آریائی به ایران و تقسیم آنان بگروههای مختلف، اقوام بومی ایرانی مانند ملل و اقوام همسایه خود مذهب مادر - خدائی داشته و در نواحی مختلف ایران پرستش الهه - مادر را بجا بود.

۳۳- A. H. Tobler: «Excavation at Tepe Gawra» Philadelphia 1950, Vol. 11 pp. 163 F. Pl. XXXI

۳۴- S. Piggot: «Prehistoric India» 1950, P. 105-127

۳۵- E. O. James. «Myth and.....» P. 134

اكتشافات باستانشناسی كه در اواخر قرن نوزدهم و بعد از آن در ایران بعمل آمد، سبب گردید كه بتدریج آگاهیهای جالبی در باره چگونگی گسترش پرستش الهه - مادر بدست آید. اولین بار حفاریات شوش بود كه راز پرستش این الهه را در ایران افشاء كرد.

در حفاریات چغازنبیل كه آثار تمدن ایلامی در آن یافت گردید، شواهد متعددی از مذهب الهه بدست آمد روی تكه سفالی نقش برجسته و عریانی از الهه - مادر در حالیکه دستها را زیر سینه گرفته، كنده شده است.^{۳۶} (شكل ۷)

در طی كاوشهای معبد نین - الی Nin - Ali و شیموت Shimut تكههای متعددی از تندیس الهه - مادر یافت شد كه متعلق به الهه نین - الی، (بانوی شهر)^{۳۷} و یا الهه من زت Manzat میباشد.^{۳۸} نام این الهه در اسناد آكادی ذكر شده و مؤید قدمت پرستش الهه میباشد. در شوش نیز معبد او مورد تقدیس و احترام بسیار بوده و یکبار نیز شوتروك نهونته آنرا تعمیر كرده و شاه هوتولدوش - این شوشیناك هدایائی بنام الهه تقدیم كرده است.^{۳۹}

چنین بنظر میرسد كه من زت محبوبترین الهه ایلامی بوده است و آویزهای متعدد كه بعنوان طلسم بكار میرفته با تصویر الهه در روی آن بدست آمده و نام بسیاری از زنان ایلامی تركیبی از نام الهه را به همراه داشته است كه نشان میدهد مقام او در كانون خانواده بسیار مقدس بوده است.

تندیسهای الهه من زت از دوهزار ق.م در طبقات مختلف چغازنبیل از خاك بیرون آورده شد. در واسط هزاره دوم ق.م الهه دستهایش را بروی شكم

۳۶- Ghirshman: «Memoires de la Delagation Archeologique en Iran». Tome XXXIX Vol. 1 Pl. LXXI 664

۳۷- Ghirshman Ibid Vol. II P. 18

۳۸- V. Scheil: Ibid, Tome, XI P. 61

۳۹- Ghirshman: Ibid P. 18
V. Scheil: Ibid P. 69

نهاده ولی در زمانهای جدیدتر سینه‌های عریانش را در دست گرفته است. گزارشهای حفاری در این منطقه حاکی از آن است که بجز يك يسادو مورد مجسمه الهه در قبور یافت نشده و در ویرانه خانه‌ها نیز بندرت تندیس الهه بدست آمده است، که با توجه به نقش اساسی الهه در کانون خانواده و حمایت اواز زنان، این امر کمی غیر عادی بنظر میرسد. اما تعداد بیشماري از این تندیس‌ها در کوچه‌ها و خیابانهای شهر بدست آمد که تماماً شکسته و ناقص هستند. پروفیسور گیرشمن حدس میزند که زنها در دوران حاملگی مجسمه را نگاه داشته و بعد از زایمان آنها را به دور می انداخته‌اند.^{۴۰} تندیس‌های کوچک بطول ۶-۷ سانتی متر همگی نیم شکسته و عریان از قسمت شرقی معبد ناپراتپ نیز بدست آمد.^{۴۱} از شواهد دیگر نقش برجسته‌ای است که در ساری پل یافت شد در این نقش بر جسته آنوبانینی Anubanini فرمانروای لولوبی با الهه نین نی Ninni نقش شده است، و متن کتیبه آکادی ضمیمه آن از خدایان بر علیه دشمن یاری میطلبد.^{۴۲}

الهه - مادرشوش در ضمن بانام کیریرشا Kirirsha و بعنوان الهه فراوانی و حاصلخیزی نیز پرستش میشد که در صفحات برنزی لرستان با حالت مشخصه زایمان در حالی که زانوهای را روی سینه جمع کرده و سینه‌ها را در دست گرفته، نقش شده است.^{۴۳}

در میان اشیاء مفرغی لرستان که میان ۷۰۰ تا ۸۰۰ ق-م تاریخ گذاری شده اند نقش الهه بصورت‌های مختلف و در اشیاء متعدد منقوش شده است. روی بسیاری از سنجاق‌ها که انتهای آن به صفحه بزرگ مدور ختم میشود سر الهه

۴۰- Ghirshman: Ibid, P. 19

۴۱- Ghirshman: Ibid, Fig. 6

۴۲- E. O. James: «The Cult of....» P. 94

۴۳- Ghirshman: «Iraq» 1954, PL. VIV

درمرکز صفحه بطور تمام رخ نقش شده که احتمالاً نقش الهه - مادر اقوام آسیای است که از آسیای صغیر تاشوش مورد پرستش بوده است.

در برخی از نقوش الهه در حال زایمان مجسم شده که سینه‌های خ-ود را در دست گرفته و تصور میشود همان الهه کیریرشای ایلامی است که آئین او تا زمان پارتها ادامه یافته است. (شکل ۸) شکل ماهی و درخت انار در کنار برخی بشقابهای برنزی مظهر این الهه میباشد.^{۴۴}

در قسمت‌های دیگر غرب ایران از جمله در تپه گیان نهاوند، تندیس‌های الهه یافت شد این محل در سال ۳۲-۱۹۳۱ توسط کنتنوو گیرشمن حفاری شد.^{۴۵} در میان آثار چندی از بقایای شکسته چند مجسمه کوچک که اصولاً از نظر فرم و جنسیت مشخص نیستند اشیاء سالم‌تری بدست آمدند از جمله سر یک تندیس کوچک از گل پخته که با احتمال قوی متعلق بیک زن میباشد. پشت سر صاف و پلاک مانند است.

علاوه بر آن تکه‌ئی از تندیس کوچک مرمری از زن عریان بدست آمد که بسیار طبیعی بوده و شکم و رانها بفرم کلاسیک و بسیار زیبائی ساخته شده است.

از گیان سوم تنهانمونه سالم الهه - مادر بدست آمد که اندامهای آن بارنگ قرمز نقاشی شده است تندیس کاملاً عریان بوده و طبق قدیمترین و اصیلترین نمونه‌ها، دستهای راروی سینه نهاده است.^{۴۶} دوران طبقه سوم گیان توسط گیرشمن از ۲۵۰۰ تا ۱۸۰۰ ق.م.تاریخ گذاری شده است. (شکل ۹) در حفاریات گئوی تپه آذر بایجان - غرب دریاچه رضائیه که قدیمترین طبقه آن یکی از تمدنهای دوران نوین سنگی ایران را دربردارد، فقط در دوران A

۴۴- گیرشمن: «ایران از آغاز تا اسلام» ترجمه دکتر محمد معین ص ۹۱

۴۵- G. Contenau, Ghirshman: «Fouilles du tepe Giyan», Paris 1935

۴۶- G. Contenau: «Ibid, Pl. VI-Fig. 5

که جدیدترین و آخرین طبقه تپه بوده و تمدن دوران آهن را در بر دارد تندیسه کوچکی از زن برهنه در حالت نشسته بدست آمد. دست و پا و سر تندیسه شکسته است و در روی سینه هایش سوراخی وجود دارد.^{۴۷}

در چند نقطه از غرب ایران که تا کنون کاوشهایی انجام گرفته گزارشهای از کشف تندیسهای الهه ذکر نشده است در جنوب دریاچه رضائیه نواحی دینخواه و حاجی فیروز محل اول توسط دایسون^{۴۸} و محل دوم توسط یونگ حفاری شد، فقط در قدیم ترین طبقه حاجی فیروز که به هزاره پنجم ق. م میرسد يك مجسمه كوچك زن از گل پخته سیاه یافت شد که ارتباط آن به الهه از آنجهت که فرم جزئیات تندیسه مشخص نیست، مشکوک بنظر می آید.^{۴۹} در گزارش کاوشهای حسن لوهه ذکر می آید که تندیسهای الهه نیامده است.^{۵۰}

در شاه آباد غرب تپه چغا گاوانه حفاری گردید که طبقات مکشوفه از قرن نهم تا هفتم ق. م را شامل میباشد در اینجا تندیسه کوچکی سفالی از الهه بطول ۷ سانتیمتر بدست آمد. این تندیسه عریض بدون سر بوده و الهه دستها را روی شکم نهاده است.^{۵۱} (شکل ۱۰)

در نواحی کنگاور و در پشتکوه لرستان نیز در سال ۱۳۵۰ حفاریاتی انجام گردید که همچنان در این مورد هم گزارشی از یافتن تندیسهای الهه نیست.^{۵۲}

۴۷- B. Brown: «Excavation in Azerbayejan» London, 1951, P. 159 PL. XIII

۴۸- مجله «باستانشناسی و هنر ایران» جلد دوم ۱۳۴۸ ص ۹۱

۴۹- مجله «باستانشناسی و هنر ایران» جلد دوم ص ۹۷

۵۰- آقایان علی حاکمی و محمود راد در «گزارشهای باستانشناسی» جلد اول ۱۳۲۹

۵۱- آقای محمود کردوانی، مجله «باستانشناسی و هنر ایران» شماره ۷-۸ سال ۱۳۵۰

۵۲- آقای سیفاله کامبخش فرد، مجله «باستانشناسی و هنر ایران» شماره ششم

- لوئی واندنبرگ، در همان شماره

هفتوان تپه در شمال غربی دریاچه رضائیه در سال ۱۹۶۸ توسط برنسی حفاری شد قدیم‌ترین طبقه این تپه به ۲۳۰۰ ق.م میرسد و در اینجا نیز شواهدی از الهه یافت نشد.^{۵۳} و هیئت کانادایی نیز که در گودین تپه کنگاور در سال ۱۹۶۵ حفاریاتی انجام داد موفق به یافتن تندیس‌های الهه نگردیده است. قدیم‌ترین طبقه گودین تپه به ۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م بالغ میگردد.

بطور کلی در منطقه خوزستان که مهد پرورش تمدن ایلامی بوده است بیش از سایر نقاط غرب ایران تندیس‌های الهه یافت شد و علاوه بر نقاطی که ذکر گردید در معبد بزرگ مسجد سلیمان تندیس‌های متعدد الهه در حالی که دستهایش را روی سینه نهاده است (شکل ۱۱) و نیز تندیس دیگری در حالت آبستنی بدست آمد.^{۵۴}

در حفاریات هفت تپه نیز که توسط دکتر نگهبان و در چند سال متوالی انجام گرفته و هنوز ادامه دارد شواهد زیادی از آئین الهه ایلامی بدست آمد که برخی از تندیس‌ها از نظر فرم و دقت هنری که در آن بکار رفته در نوع خود نادر میباشد.

در منطقه فارس و نواحی جنوبی ایران نیز کاوشهای باستانشناسی نتایج پرثمری ارائه دادند. از طبقات سوم و چهارم تل با کون قطعات شکسته متعدد از نیم تنه عریان الهه با سینه‌های کوچک که اغلب با نقوش هندسی تزئین شده است، بدست آمد این تندیس‌ها نیز تقریباً همگی بدون سر بودند.^{۵۵} (شکل ۱۲) در گزارش حفاریات تل نخودی که قدیم‌ترین دوره آن به دوره کلمکولیتیک (آغاز بکار بردن مس در صنایع، همراه با صنایع سنگی) میرسد^{۵۶}

۵۳- C. Burney: «Iran» Vol. VIII-X

۵۴- Chirshman: «Iran» X, 1972, PL. Xb-Vc

۵۵- A. Langsdorff; D. E. Mc Cown: «Tall-i-Bacun», Chicago 1942 PL. 6-7

۵۶- C. Eoff: «Iran» Vol. II-1964

و در شرح کاوشهای لوئی و اندنبرگ در تپه‌های متعدد مرودشت فارس (تل جری- تل موشکی- تل هادی- تل روبائی- تل گپ- تاج آباد- تل چهل برجی- تل سبز- تل گرگی)^{۵۷}، و نیز در شرح حفاریات دروازه تپه فارس که در ۱۹۶۸ توسط دانشگاه هاروارد بعمل آمد،^{۵۸} ذکرى از یافتن تندیس‌های الهه نیست.

در ضمن حفاریات تپه یحیی در جنوب کرمان، در میان آثار متعلق به دوران نوسنگی (نئولیتیک) این تپه - طبقه D، دوران VI تندیس‌ه کوچک سنگی از يك زن با تراش بسیار بدوی و سوراخهائی در محل چشمها و دهان و میان سینه‌ها، بدست آمد سینه‌ها کوچک و آویزان تراشیده شده و دست‌ها در دو طرف کمر آویخته است استیل متقارن این مجسمه در تراش بدن بسیار جالب توجه میباشد. در محلی که تندیس‌ه یافت شد تعداد زیادی ابزار از سنگ چخماق، استخوان و سنگ بدست آمد. احتمال میرود این محل انباری بوده برای انباشتن مواد خوراکی و این تندیس‌ه کوچک هم بعنوان هدیه و نذر در قبال حفظ این مواد و یادعائی برای فراوانی، در آنجا گذاشته شده است.^{۵۹} آزمایش رادیو کربن - طبقه C دوران VI این تپه را در حدود ۱۴۰ + ۶۶۰ ق.م مشخص کرده و بنا بر این طبقه D اندکی قدیم‌تر از آن واقع میشود. (شکل ۱۳)

در گزارش حفاریات تل ابلیس - هشتاد کیلومتری جنوب غربی کرمان که در سال ۱۹۶۶ توسط يك هیئت بین‌المللی حفاری گردید و از هزاره پنجم - ق.م. بعد را شامل است ذکرى از یافتن تندیس‌ه الهه بمیان نیامده است.^{۶۰} در ضمن حفاریات شهر سوخته واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب زابل که توسط باستان‌شناسان ایتالیائی در ۱۹۶۵ انجام گرفت تکه‌ئى از يك تندیس‌ه بدون سر

۵۷- لوئی و اندنبرگ در «گزارشهای باستان‌شناسی» جلد دوم ۱۳۳۰

۵۸- «Iran» Vol. VII, 1969

۵۹- C. Lamberg; Karlovsky: «Excavation at Tepe Yahya, Iran» Progress Report, I 1970, PL. 43

۶۰- «Iran» V

ودست و پا که فقط سینه‌های برهنه‌ای را در برداشت، بدست آمد.^{۶۱} (شکل ۱۴)

در نقاط دیگری چون دهانه غلامان سیستان که آثار باستانی قرون پنجم و ششم ق. م را در بردارد،^{۶۲} و در گوربند دره گبری ۳۰ کیلومتری میناب که برخی از قبور آن به هزاره اول ق. م می‌رسد^{۶۳}، و نیز در حفاریات سیستان و بلوچستان^{۶۴}، تندیس الهه بدست نیامده و یا اگر هم یافت شده است در گزارشها ذکر آن نیست. در نواحی شمالی ایران شواهد ارزنده‌ای از آئین الهه کشف شد. در تپه حصار دامغان نیم تنه يك زن در طبقه دوم قشر A یافت شد که سر تندیس شکسته و قسمتی از بازوی چپ و یکی از سینه‌ها باقی مانده است. از حصار سوم يك مجسمه که شبیه زنی حامله است بدست آمد و این تمهانمونه از این نوع می‌باشد که در حصار یافت شده است.^{۶۵}

در همان طبقات سوم قشرهای C و B تعدادی تندیس کوچک زنانه از سنگ مرمر سفید و استخوان بدست آمد. یکی از آنها بفرم استیلیمزه ساخته شده، گردن بيك رأس مثلثی شکل ختم میشود که در آن سه سوراخ برای آویزان کردن وجود دارد سینه‌ها بطور برجسته و نزدیک بهم تراشیده شده و سایر جزئیات بدن مشخص نیست. از این تندیس يك نمونه دیگر نیز از استخوان بدست آمد.^{۶۶} (شکل ۱۵)

۶۱- دکتر M. Tosi در مجله «باستانشناسی و هنر ایران» شماره چهارم ۱۳۴۸

۶۲- U. Scerrato: «Excavation at Dahan-i-Gaulaman Seistan-Iran» First Report, 1966 Roma

۶۳- آقای غلامعلی شاملو: «گزارش حفاریات گوربند» (آرشیو اداره باستانشناسی)

۶۴- آقای جهانگیر یاسی: «حفاریات سیستان و بلوچستان» (آرشیو اداره باستانشناسی)

۶۵- E. F. Schmidt: «Excavation at Tepe Hissar-Damghan» Philadelphia, 1937 P. 186 PL. XLV.

۶۶- E. F. Schmidt: Ibid PL. XLVII

در قشر سوم طبقه ۳ حصار تندیس‌های کوچک چندی از نقره و مس از مردان بدست آمد که در یک نمونه آن که مرد برهنه‌ئی است. عضو جنسی مشخص میباشد. ۶۷ دستها اغلب بطرف بالا بلند شده و یا در حالت دعا و نیایش روی سینه قرار گرفته است. در قبور با وجود اشیاء مختلف، شیئی خاصی که بتوان آنرا بپرستش الهه - مادر مربوط دانست، یافت نگردیده است.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

طبقه اول تپه حصار تقریباً مقارن با دوران کلکولیتیک میباشد. در حصار دوم شواهد تمدن جدیدی بچشم میخورد که احتمالاً از شمال ایران و از ناحیه استپ‌های ترکمان به آنجا ارمغان آورده شده است. هر چند امکان دارد که خود استپ‌های ترکمان هم منشأ اصلی پخش این فرهنگ نباشد. ۶۸

در چند اثر ساختمانی که در قشر B طبقه سوم حصار حفاری شد، فرورفتگی هائی بعنوان تزئین در دیوارها بفرم اندام تناسلی زن ایجاد کرده‌اند که شاید اهمیت مقام الهه را در خانواده بیان کرده و تمثیلی از بارآوری و توالد و حاصلخیزی است.

در تورنگ تپه ۱۲ کیلومتری استرآباد گرگان در ضمن حفاریات سال ۱۹۳۱ تندیس‌های متعدد گلی از الهه یافت شد که از ۱۸ تا ۲۶ سانتی متر طول داشتند طرز ساختن سربتدائی بوده ولی سایر قسمت‌های بدن با مهارت ساخته شده است (شکل ۱۶) یکی از این مجسمه‌ها در گوری نزدیک اسکلت انسان یافت شد و دستهای این تندیس‌ها قرار گرفته بود. ۶۹ در

۶۷- E. F. Schmidt: Ibid

۶۸- E. F. Schmidt Ibid, P. 302

۶۹- F. R. Wulsin: «Excavation at Tureng—Tepe» Supplement to the Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology, Vol. 2, No. 1., 1932, PL. XV

چند نمونه دیگر دستهای تندیسها در امتداد شانه بطرفین گشوده شده است. علاوه بر این نمونه‌ها، چند فرم بسیار جالب و استیلیزه انسان که از سنگ تراشیده شده بدست آمد که مشابه آنها در شاه تپه هم یافت شد.^{۷۰} این تندیسها متعلق به دوران برنز این ناحیه میباشد و دوران های قدیمی تر هنوز گزارش نشده است. در شاه تپه گرگان يك پیکره ناقص گلی بطول ۸ سانتیمتر بدون سر و دست و پا که بنظر میآید سینه هایش نیز کنده شده یافت شد و از آنچه که باقیمانده کار زیبای آن مشخص است.^{۷۱} علاوه بر آن تندیس سالم دیگری بدست آمد که الهه را در حالیکه دستهایش را روی سینه‌ها نهاده نشان میدهد. (شکل ۱۷)

از نمونه های سنگی تورنگ تپه در اینجا نیز یافت شد و شبیه این پیکره‌ها از تپه حصار، تپه گارا، نودی والیشار نیز بدست آمده است با احتمال بسیار قوی این پیکره های سنگی بعنوان طلسم و تعویذ مورد استفاده قرار میگرفته و رابطه‌ئی با پرستش الهه - مادر داشته است. تمدن شاه تپه مربوط به دوران کلکولیتیک بوده و به اواخر هزاره چهارم ق. م میرسد با توجه به اینکه تمدن تورنگ تپه به دوران برنز اسناد داده شده است آشکار میگردد که پرستش الهه - مادر و استفاده از پیکره های سنگی از ادوار قدیم تر این ناحیه سرچشمه میگیرد.

کتابخانه مدرسه الهیه قم

در تپه سیلک کاشان تندیسهای بسیار کوچکی از برنز بفرم الهه بدست آمد. این مجسمه‌ها عریان بوده و دستها را زیر سینه گذاشته بودند، تعدادی از این تندیسها در قبور زنان یافت شد و يك مجسمه کوچک برنزی مذکر نیز از قبر يك مرد بدست آمد.^{۷۲}

۷۰- F. R. Wulsin: Ibid PL. XVII Fig. 3-4-5

۷۱- T. J. Arne: «Excavation at Shah Tepe Iran» Stochholm, 1965 P. 253, Fig. 527

۷۲- R. Ghirshman: «Fouilles de Sialk» Vol. II Paris, 1938, PL XXVII-LXXIII

اغلب این تندیسها از رشته‌هایی مرکب از سنگ سفید و صدف آویزان شده بودند جالب توجه است که در قبور متعلق به انسان نئاندرتال در اروپا هم صدف با اجساد بخاک سپرده شده است.

این مجسمه‌ها از تپه B سیلک بدست آمده و بر طبق آزمایش‌های مجموعه شناسی مشخص شده است که مردم ساکن تپه B به نژادی متفاوت از نژاد قبلی تعلق دارند که از خصوصیات عمده این اقوام تازه وارد پرورش و نگهداری اسب بوده است. نقش اسب و اسب بالدار بکرات بر روی سفالهای ساخته این اقوام دیده شده و لوازم برنزی مربوط به اسب نیز به تعداد زیاد بدست آمده است. تمدن سیلک از تمدنهای اواخر دوران برنز و اوایل دوران آهن است و گیرشمن شواهدی ارائه میدهد که دال بر ارتباط این تمدن و تمدنهای دوران آهن قفقاز شمالی و روسیه جنوبی میباشد.^{۷۳}

از حفاریات خوروین واقع در حوالی قزوین آثار مشخصی از پرستش الهه بدست نیامده است. در یک آینه برنزی بطول ۲۶ سانتی متر دسته آینه بصورت یک زن که دستهایش را بموازات سر بالا گرفته و آینه را نگاهداشته درست شده است.^{۷۴} این آینه شباهت زیاد به آینه‌های برنزی لرستان کار اقوام سکائی دارد (شکل ۱۸-۱۹). دو نمونه از ظروفی که بشکل گاو ساخته شده و بدنه‌ای مجوف دارد با سوراخهایی که در سر آنها برای ریختن مایعات ایجاد شده میتواند دلیل رابطه‌ای با پرستش الهه باشد بخصوص که این ظروف شبیه آنهائی است که در معابد و برای اجرای مراسم مذهبی بکار میرفته است. خوروین نیز مقارن عصر برنز بوده میان هزاره دوم و اول قبل از میلاد قرار میگیرد. از حفاریات رودبار گیلان نیز از طبقات متعلق به هزاره اول ق.م چند

۷۳- R. Ghirshman Ibid P. 104

۷۴- L. Vanden Berghe: «La Necropole du Khurvin» Nederland, 1964 PL. XLVII-351

مجسمه الهه بدست آمده که در گزارش حفاریات شرح بیشتری از آنان نیامده است. ۷۵

در گزارش بسیاری از حفاریات دیگر که تا کنون در ایران انجام شده ذکرى از یافته مجسمه‌های الهه - مادر بمیان نیامده است و مشخص نیست که آیا واقعاً شواهدی از این گونه بدست نیامده‌اند یا حفاران در گزارش خویش این موضوع را مطرح نکرده‌اند برداشت ثانوی چندان هم نادرست نمیتواند باشد چون در طی مراجعات مکرری که به آرشیو اداره باستانشناسی دست داد مشاهده شد که بسیاری از حفاران ایرانی و خارجی اداره باستان-شناسی بهمان گزارش مقدماتی خویش که اغلب از چند صفحه تجاوز نمیکند اکتفا کرده و تهیه يك گزارش کامل تر را به وقت مناسبتری که کمتر بدست آمده است موکول کرده‌اند. از شرح نتایج حفاریاتی که در صفحات پیش بیان شد بهر حال این مسئله روشن میگردد که رسم پرستش الهه مربوط به ناحیه خاصی از ایران نبوده و در نواحی مختلف این سرزمین شیوع داشته است.

از همان قدیم ترین ادوار تمدنهای نوین سنگی این مذهب بدوی در ایران وجود داشته است: تپه یحیی و حاجی فیروز هر دو مدارك لازم برای اثبات این امر را فراهم میآورند و نشان میدهند که ورود اقوام تازه آنچنانکه در حصار دوم و سیلک B آثار آنان بدست آمده نقشی در اشاعه این مذهب در ایران نداشته و احتمالاً خود نیز تحت تأثیر مذهب بومی قرار گرفته‌اند. این مذهب تا ورود اقوام آریائی به ایران و تشکیل سلسله‌های ایرانی ادامه یافت. آثار یافت شده در لرستان و مجسمه‌های برنزی از الهه مادر متعلق به - اقوام سکائی که در قرون هشتم و هفتم ق.م در غرب ایران ساکن بودند، مؤید این نظر است. (شکل ۲۰)

با اشاعه مذهب زرتشت، پرستش الهه همچنان در مقامی دیگر ادامه

۷۵- آقای علی حاکمی «حفاریات رودبار ۱۳۴۳» (آرشیو اداره باستانشناسی)

یافت، مجسمه‌های مربوط به الهه متعلق بدوران ساسانی از شوش بدست آمد که به پیروی از همان فرم قدیمی ساخته شده بودند.^{۷۶} (شکل ۲۱)
احتمالاً آناهیتا همان الهه نانایا Nanaia ایلامی بوده که به مذهب زرتشت راه یافته و در مقام الهه فراوانی و آب و تجسم رودخانه زندگی - بخش پرستش شده است.

مجسمه آناهیتا بعنوان الهه آبها که از آسمانها بر زمین نزول کرده و باعث فراوانی محصول و ازدیاد گله و رفاه زندگی بشر میگردد، بفرمان اردشیر دوم در شهرهای شوش، اکباتان، دمشق، بابل و نقاط دیگر، نصب گردیده و بانام (الهه بزرگی که نام وی بانواست) پرستش میشد.^{۷۷}
هردوت مقام آناهیتا را در نزد ایرانیان مانند الهه آنات اقوام سوریه، اشتار بابلی، کومانای هیتی (Comana) و آفرودیت یونانی میداند.^{۷۸} یکسان گردیدن آناهیتا با الهه‌های محلی سایر کشورهای آسیای صغیر در واقع از نتایج گسترش امپراطوری هخامنشی و اقدامات شاهان کشور گشای این سلسله بود از جمله در مصر با الهه ختا Kheta در کاپادوکیه و سیلیسیه با الهه مادر (ما) Ma همسان گردید و بنابه نوشته استرابو گروهی از زنان کاهنه با انجام شعائر مربوط به فحشاء مقدس از ملازمین معبد الهه در سیلیسیه و کاپادوکیه بودند.^{۷۹}

پرستش الهه آناهیتا تا زمان ساسانیان نیز ادامه یافت و آثار معبدی متعلق به دوران این سلسله که برای الهه ساخته بودند در شهر استخر بدست آمد نقش برجسته‌ئی در نقش رستم نرسی شاه ساسانی را نشان میدهد که نشان

۷۶- R. De Macquenem «Memoires de la Missione...» Tome 25, 1934, P. 22 Fig. 65

۷۷- یشت V و نبدیاد VIII ۱۶

۷۸- Herodotus: I, 131, IV, 52

۷۹- Strabo XI 512, 532 XII 559, 537

سلطنت را از آناهیتا اخذ میکند و نقش برجسته‌ای در طاق بستان خسرو دوم را در کنار اهورامزدا و آناهیتا نشان میدهد.^{۸۰}

چند تندیسه کوچک از مرد که در قشرسوم حصار ۳ و در تپه سیلک یافت شده میتواند ردپای ضعیفی در تحقیق راجع به وجود يك رسم مذهبی فالیک- که بر اساس مقدس شمردن اعضاء جنسی مذکر بوده است- باشد. در سیلک يك تندیسه مرد دریکی از قبور یافت شد، البته همانطور که در مقدمه شرح داده شد در بسیاری از تمدنهای بدوی مذهب فالیک در جوار پرستش الهه-مادر وجود داشته است و در یونان باستان و در مصر قدیم این رسم بسیار شایع بود ولی در مورد وجود این سنت در ایران شواهد کافی در دست نیست و چند نمونه فوق نمیتواند در این تحقیق راه گشای مطمئنی بشمار آید نمونه بسیار جالب دیگری نیز در ضمن حفريات تپه مارلیک توسط دکتر عزت الله نگهبان بدست آمد. این نمونه بصورت دوزخ مجوف از يك جفت مرد و زن عریان میباشد که حالت تجسم اعضاء مرد و فرضیه وجود يك نوع رسم فالیک را تقویت میکند.^{۸۱} کاوشهای باستانشناسی هنوز بطور کامل از دورانهای کهن سنگی ایران بعمل نیامده و نسبت به ادوار جدید، عصر البرونز و فولیتیک ایران بسیار مبهم میباشد شاید کاوشهای آینده شواهد دیگری در اختیار ما قرار دهد تا بتوانیم منشاء و ردپای سنت الهه را تا این دوران نیز تعقیب کنیم، بهر حال بر اساس شواهد و مدارك فعلی که وجود این مذهب را از دوران نوسنگی گواهی میدهد فرض اینست که ریشه‌های پرستش الهه در همان ادوار کهن سنگی ایران بارور شده میتواند بسیار نزدیک به واقعیت باشد و این فرضیه‌ای است که فقط کاوشهای آینده جوابگوی آن خواهد بود.

۸۰- A. U. Pope: «A Survey of Persian Art from Prehistory to the present» Vol. IV 1939 PL. 160 B.

۸۱- دکتر عزت الله نگهبان گزارش مقدماتی حفريات مارلیک (جراغ علی تپه) ۱۳۴۴